



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اللہ کے
صنعمی
قریش



وہابی صنعمی قریش
واختبار لکن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعای صنمی قریش و اعتبار آن

نویسنده:

حیدر تربتی کربلایی

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	دعای صنمی قریش و اعتبار آن
۷	مشخصات کتاب
۷	دعای صنمی قریش و اعتبار آن
۸	پیشگفتار: تبزی و لعن از دیدگاه قرآن و عترت
۱۷	بخش اول: وجوب برائت...
۱۷	بیزاری از دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) بخشی از توحید است
۱۹	ابوبکر و عمر کافرند و...
۲۰	ولی معصوم امر به بیزاری جستن از آن دو می کند
۲۱	کوتاهی در لعن دشمنان اهل بیت(علیهم السلام)، موجب لعنت خداست
۲۲	جبت و طاغوت، چه کسانی هستند؟
۲۴	ابوبکر و عمر و عثمان یعنی: مظاهر و اساس و ... کفر، فسوق، عصیان، فحشاء، منکر، بغي و آنچه حرام است
۲۷	آزاردهندگان فاطمه، آزاردهندگان خدا و رسول اند
۲۸	لعنت خدا بر آزار دهندگان خدا و رسول
۲۹	اعتراف عمر به جنایات...
۳۴	نفرین حضرت فاطمه علیها السلام
۳۶	بخش دوم: وجوه اعتبار دعای صنمی قریش
۳۶	اشاره
۳۸	منابع دعای شریف صنمی قریش
۳۸	مولف کتاب «شرح الولاة فی شرح الدعاء»
۳۹	اعتبار و فضیلت دعای شریف صنمی قریش
۴۲	صحیح بودن روایات (سندهای) دعای شریف صنمی قریش
۴۳	شرح های دعای شریف صنمی قریش
۴۶	برخی دیگر از منابع در دسترس دعای شریف صنمی قریش

۶۰ دعای امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز
۶۹ دعای امام رضا علیه السلام در سجده شکر
۷۷ بخش سوم: متن تلفیقی دعای صنمی قریش از مولی الموحّدين امیرالمؤمنین(ع)
۹۰ کتاب نامه
۹۷ فهرست مطالب
۹۹ درباره مرکز

دعای صنمی قریش و اعتبار آن

مشخصات کتاب

سرشناسه : تربتی کربلایی ، حیدر ، 1338 -

عنوان و نام پدیدآور : دعای صنمی قریش و اعتبار آن/ حیدر تربتی کربلایی .

مشخصات نشر : قم : عطر عترت ، 1390 .

مشخصات ظاهری : 92ص .

شابک : 50000ریال : 9-72-5588-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : دعای صنمی قریش

شناسه افزوده : تربتی ، محدثه ، 1368 -

رده بندی کنگره : BP270 /ص 9041 1300ی

شماره کتابشناسی ملی : 3548832

این کتاب اهدائی بوده و خرید و فروش آن شرعاً جایز نیست بنابراین بخوانید و ابلاغ رسالت نمایید .

ص : 1

دعای صنمی قریش و اعتبار آن

عبد الزهراء (عليها السلام) حيدر

بسم الله الرحمن الرحيم

جهت ترویج فرهنگ اهل بیت و شعائر ولایت حضرات معصومین علیهم السّلام و براءت از دشمنان آنان ، در تکثیر این کتاب و برگزاری مجالس قرائت این دعای شریف ، با رعایت موارد تقیّه کوشا باشید تا مرهمی بر زخم سینه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار دهید . این کتاب اهدایی بوده و خرید و فروش آن شرعاً جایز نیست .

پیشگفتار : تبرّی و لعن از دیدگاه قرآن و عترت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

«تبری» به معنای بیزاری جستن از دشمنان خدا، پیامبر و امامان بوده، بخشی از توحید و اعتقاد به آن واجب ضروری قرآن، سنت مطهره، فطرت و عقل است.

اهمیت این موضوع تا جایی است که توحید - که همان پذیرش ولایت است - بدون برائت تحقق نمی یابد. و «لعن» یکی از برترین مظاهر و مصادیق تبری است.

«لعن» در لغت به معنای نفرین کردن و در اصطلاح اسلام به معنای آرزوی دوری از رحمت خدا و نزدیکی عذاب است که در آیات و روایات فراوانی آورده شده است. مثلاً در آیات ذیل، کافران، منافقان و آزاردهندگان خدا و پیامبر به طور ویژه مورد لعنت قرار گرفته اند:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ(1)» - همانا کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا، فرشتگان و تمامی مردم بر آنان است» .

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ(2)» - خداوند آتش جهنم را به مردان و زنان نفاق پیشه و کفران، وعده داده است که در آن جاوید باشند . آتش برای آنان بس است . خداوند آنان را لعنت کرده و عذابی پایدار برای آنان است» .

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا(3)» - همانا کسانی که خدا و پیامبرش را

1- (۲) سوره البقرة : آیه ۱۶۲ .

2- (۹) سوره التوبة : آیه ۶۸ .

3- (۳۳) سوره الأحزاب : آیه ۵۸ .

می آزارند ، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برای آنان عذابی خوارکننده مهیا ساخته است» .

لعن ، در روایات بسیاری نیز آورده شده است که دعای امام صادق علیه السلام پس از انجام فرائض ، دعای سجده شکر از امام رضا علیه السلام و دعای ارزشمند صنمی قریش ، سه مورد از آن ها است .

اما درباره دعای صنمی قریش ، برخی گفته اند : دعای صنمی قریش معتبر نیست .

گوییم : هر چند بازار شلوغ است و همه خود را صاحب نظر می دانند ، اما بایسته است که بدانیم گویندگان چنین سخنانی ، بیماردلان کج اندیش و متی بدتر از ستی (البته صحیح است گفته شود بگری ، عمری ، عثمانی ، اموی ، ابوسفیانی ، یزیدی و ناصبی و اهل بدعت و . . .) هستند که جز شمشیر کج حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، آنان را راست نمی کند زیرا به

هرچه در راستای تلقین ، تأیید و تحکیم ولایت آل محمد صلی الله علیهم و برائت از دشمنان آنان علیهم لعائن الله باشد ، حمله ور شده و با القای شبهه می خواهند نور خدا را خاموش کنند ، غافل از آنکه خداوند نور خویش را تمام خواهد نمود گرچه کافران را ناخوش آید .

این مختصر - که شامل سه بخش : وجوب برائت و مسائل مربوط به آن که دانستن آنها بر هر مسلمانی واجب است ، وجوه اعتبار دعای صنمی قریش ، و بالا-خره متن تلفیقی دعای صنمی قریش است - جهت اتمام حجّت و ارتقای سطح آگاهی موالیان حقیقی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، عرضه می شود . امید است مورد پذیرش امام غریب زمان ولیّ الله الأعظم حجّة بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد .

امّا درباره تبرّی ، باید نکاتی را مدّ نظر داشته باشیم . نخست باید حق و اهل آن و باطل و اهل آن را به خوبی بشناسیم تا

بدانیم چرا از فرد یا گروه خاصی بیزاری می جوئیم .

وهم چنان که برای شناسایی باطل و اهلش ، به سراغ قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می رویم ، باید چگونگی اظهار تبری را نیز از آنان بیاموزیم . بنابراین نمی توانیم در این راستا دست به هر اقدامی بزنیم بلکه باید سنت و سیره اهل بیت علیهم السلام را مد نظر داشته باشیم . و هرگز نباید از ضرورت تقیه در مواضع آن غافل شویم زیرا اهل بیت علیهم السلام فرموده اند : «هرکس تقیه نمی کند ، دین ندارد» .

همچنین امام جعفر صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود به نام معلی بن خنیس فرمودند :

يا مُعَلِّي! أَكُتْمُ أَمْرِنَا وَلَا تُدْعُهُ، فَإِنَّ مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَلَمْ يُدْعِهِ، أَعَزَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا، وَجَعَلَهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ، يَقُودُهُ إِلَى الْجَنَّةِ.

يا مُعَلِّي! مَنْ أَدَاعَ حَدِيثَنَا وَأَمْرَنَا وَلَمْ يَكْتُمْهُ، أَذَلَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا، وَنَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ، وَجَعَلَهُ ظُلْمَةً

تَقُوذُهُ إِلَى النَّارِ .

يَا مُعَلَّى ! إِنَّ التَّقِيَّةَ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي ، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ . يَا مُعَلَّى ! إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي السِّرِّ ، كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي الْعَلَانِيَةِ .

يَا مُعَلَّى ! إِنَّ الْمَذْبَحَ لِأَمْرِنَا كَالْجَاهِدِ لَهُ (1)-

ای معلی ! امر (گفتار و کردار و اسرار) ما اهل بیت را (جز در آنجا که شایسته است) پنهان داشته و فاش نگردان ، زیرا هرکس امر ما را (نزد نااهل) پنهان دارد و فاش نکند ، خداوند او را در دنیا عزیز و گرامی کند و در آخرت آن را نوریدر میان دو چشم او قرار می دهد که او را به دنبال خود به بهشت می برد .

1- بحار الأنوار : جلد 2 صفحه 73 باب 13 حدیث 41 و جلد 72 صفحه 421 باب 87 حدیث 80 از مشکاة الأنوار : صفحه 40 فصل 11 و المحاسن : جلد 1 صفحه 255 باب 31 حدیث 286 ، وسائل الشیعة : جلد 16 صفحه 210 باب 24 حدیث 21379 .

ای معلّی! کسی که سخن و کار ما را (جایی که شایسته نیست) فاش کند و پنهان نکند، خداوند او را بدان، در دنیا خوار گرداند، و در آخرت، نور میان دو چشمش را بردارد و آن را تاریکی و ظلمتی قرار دهد که او را به سوی آتش می کشاند.

ای معلّی! همانا تقیّه (ابراز نکردن باورها در غیر موضع آن)، دین من و دین پدران من است. و آن کس که تقیّه نکند، دین ندارد.

ای معلّی! همانا خداوند دوست دارد در پنهان پرستیده شود، چنان که دوست دارد آشکارا عبادت شود (ارزش، پرستش خداوند است. بنابراین اگر اقتضای شرایط، پرستش خدا در نهان باشد، خداوند به آن راضی خواهد بود و اهمّیت آن، کمتر از عبادت آشکارا نیست).

ای معلّی! همانا آن کس که امر (گفتار و کردار و اسرار) ما را

(در غیر جایگاه آن) فاش می کند ، مانند کسی است که آن را انکار و تکذیب می کند .

شیخ طوسی از ابونصر هبة الله بن محمد نقل می کند که گفت : ابوالحسن بن کبریا نوبختی ، برای من نقل کرد که به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه (سومین نائب خاص امام زمان عجل الله فرجه الشریف) خبر رسید که یکی از دربان های شما ، معاویه را لعنت می کند و به وی ناسزا می گوید .

از این رو ، حسین بن روح دستور داد او را رانند و از خدمت عزل کردند . دربان مدت درازی بیکار بود و خواهش می کرد که او را به کار سابق برگردانند ، ولی به خدا قسم ! حسین بن روح او را دیگر به سر خدمت خود نیاورد ، تا آنکه یکی از بستگان حسین بن روح ، او را استخدام کرد که با وی در جایی کار کند . حسین بن روح ، تمام این کارها را از روی

تقیّه انجام می داد . (1)

بنابراین بایسته است که مواضع تقیّه را به خوبی بشناسیم و چنان چه اهل بیت امر کرده اند عمل کنیم تا مبادا سرگرم فرع شویم و اصل را از یاد ببریم که اگر بر اثر تقیّه نکردن ما ، به اسلام یا جان ، ناموس یا آبرو و مال مسلمانی آسیبی برسد ، قطعاً مسئول خواهیم بود .

بخش اول: وجوب برائت...

بیزاری از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) بخشی از توحید است

1- بحار الأنوار : جلد 51 صفحه 357 از کتاب الغیبه شیخ طوسی : صفحه 384 .

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند : تَصَدِّقُ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ وَ تَصَدِّقُ رَسُوْلَهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مُوَالَاةُ عَلِيٍّ (علیه السلام) وَ الْإِثْمَامُ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى (علیهم السلام) وَ الْبِرَاءَةُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ هَكَذَا يُعْرِفُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ - (معرفت خدا عبارت است از): تصدیق خداوند عزوجل، تصدیق پیامبرش صلی الله علیه و آله، موالات حضرت علی (علیه السلام)، پذیرفتن امامت او و امامان هدایت (علیهم السلام) و بیزاری جستن از دشمنان آنان به درگاه خداوند تعالی . خداوند عزوجل این چنین شناخته می شود . (1)

ابوبکر و عمر کافرند و...

امام زین العابدین (علیه السلام) درباره ابوبکر و عمر فرمودند : کَافِرَانِ ، کَافِرٌ مَنْ أَحَبَّهُمَا - آن دو کافر بودند و کسی که آن دو را

1- الکافی : جلد ۱ صفحه ۱۸۰ باب معرفة الإمام و الرد إليه . . . حدیث 1 به سندش از ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر (علیه السلام) .

دوست بدارد نیز کافر است . (1)

و در حدیث دیگری فرمودند : هُمَا أَوَّلُ مَنْ ظَلَمْنَا حَقًّا وَأَخَذَا مِيرَاثَنَا ، وَجَلَسَا مَجْلِسًا كُنَّا أَحَقُّ بِهِ مِنْهُمَا ، لَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمَا وَلَا رَحِمَهُمَا ، كَافِرَانِ ، كَافِرٌ مَنْ تَوَلَّاهُمَا

آن دو نخستین کسانی بودند که به ما دربارہ حق ما ظلم کردند و ارث ما را به غصب و ناحق تصرف کردند و در جایگاهی نشستند که ما از آن ها نسبت به آن سزاوارتر بودیم . خداوند آنان را نیامرزد ، و آنان را مورد رحمت قرار ندهد . آن دو کافر بودند و کافر است هرکسی که آنان را سرپرست خود برگزیند . (2)

ولی معصوم امر به بیزاری جستن از آن دو می کند

1- تقریب المعارف : صفحه ۲۴۴ ، بحار الأنوار : جلد ۳۰ صفحه ۳۸۱ باب ۲۰ و جلد ۶۹ صفحه ۱۷۸ باب ۱۰۱ حدیث ۲۵ ، مستدرک الوسائل : جلد ۱۸ صفحه ۱۷۸ باب ۸ حدیث ۲۲۴۳۸-۱۹ .

2- تقریب المعارف : صفحه ۲۴۴ ، بحار الأنوار : جلد ۳۰ صفحه ۳۸۱ باب ۲۰ و جلد ۶۹ صفحه ۱۷۸ باب ۱۰۱ حدیث ۲۵ ، مستدرک الوسائل : جلد ۱۸ صفحه ۱۷۸ باب ۸ حدیث ۲۲۴۳۹-۲۰ .

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: . . . ما أُهْرِيقَ فِي الإِسْلَامِ مِحْجَمَةٌ مِنْ دَمٍ وَلَا اكْتُسِبَ مَالٌ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ وَلَا نُكِحَ فَرْجٌ حَرَامٌ إِلَّا وَ ذَلِكَ فِي أَعْنَاقِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، وَ نَحْنُ مَعَاشِرَ بَنِي هَاشِمٍ نَأْمُرُ كِبَارَنَا وَ صِغَارَنَا بِسَبِّهِمَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْهُمَا

تا روز قیامت هیچ خونی به ناحق در اسلام ریخته نشود و هیچ مالی نیست که به ناحق به دست آید و هیچ ناموسی به حرام نرود مگر اینکه گناه آن بر گردن آن دو نفر است تا آن هنگام که قائم از ما اهل بیت قیام نماید و ما خاندان بنی هاشم، بزرگان و کودکان خود را به دشنام دادن و بیزاری جستن از آنان فرمان می دهیم. (1)

کوتاهی در لعن دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)، موجب لعنت خداست

1- بحار الأنوار: جلد 47 صفحه 323 باب 10 حدیث 17 از إختیار معرفة الرّجال، الکشتی: صفحه 206 حدیث 363 به سند خود از امام جعفر صادق (علیه السلام).

امام جواد (علیه السلام) فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ تَأْتَمَّ أَنْ يَلْعَنَ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ

لعنت خدا بر آن کس باد که از لعنت کردن کسی که خدا او را لعنت کرده، روی گرداند. (1)

جبت و طاغوت، چه کسانی هستند؟

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه ی *... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

کسانی که به وی ایمان آورده اند و او را گرامی داشته و یاری کردند و از نوری که همراه با او نازل شد، پیروی کردند، همانان اند رستگاران* (2) فرمودند: ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ، يَعْنِي بِالْإِمَامِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، يَعْنِي الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الْجِبْتَ وَالطَّاغُوتَ أَنْ

1- بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۳۱۸ باب ۱۰ حدیث ۸۵ از إختيار معرفة الرجال، الكشي: صفحه ۵۲۸ حدیث ۱۰۱۲ به سندش از امام جواد (علیه السلام).

2- (۷) سورة الأعراف: آیه ۱۵۸.

يَعْبُدُوهَا، وَالْحَبِيبُ وَالطَّاعُوتُ: فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ، وَالْعِبَادَةُ طَاعَةٌ النَّاسِ لَهُمْ (1) . . . مقصود خداوند از عبارت «آنان که به او ایمان آوردند»، امام است و مقصود از گرامی دارندگان و یاری کنندگان و پیروان از نور نازل شده همراه با پیامبر، کسانی هستند که از پرستش «جبت» و «طاغوت» سرباز زدند و پرهیز نمودند. و همانا «جبت» و «طاغوت» (بارزترین مصادیق کفر)، فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) و فلانی (عثمان) هستند و مقصود از پرستش (آنان)، فرمان برداری مردم از ایشان است . . .

امام محمد باقر (علیه السلام) در تفسیر جبت و طاغوت (دوبت بزرگ) در آیه کریمه: *أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْحَبِيبِ وَالطَّاعُوتِ* فرمود: مقصود فلانی (ابوبکر)

1- کتاب شریف «الکافی» جلد ۱ صفحه ۴۲۹ حدیث ۸۳ به سند خود از ابو عبیده حدّاء از امام باقر (علیه السلام).

وفلانی (عمر) می باشد. (1)

ابوبکر و عمر و عثمان یعنی: مظاهر و اساس و ... کفر، فسوق، عصیان، فحشاء، منکر، بغی و آنچه حرام است

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه کریمه * وَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ* فرمود: (مراد از) ایمان در این کلام خدای متعال، امیرالمؤمنین است و (مقصود از) کفر و فسوق و عصیان، اولی (ابوبکر) و دومی (عمر) و سومی (عثمان) هستند (زیرا بنیان گذار کفر و فساد و عصیان، آنان بودند) (2).

- 1- بحار الأنوار: جلد ۳۰ صفحه ۱۸۷ باب ۲۰ حدیث 46 از کتاب شریف بصائر الدرجات: جلد ۳۴ باب ۱۶ حدیث ۳ به سند خود از امام محمد باقر (علیه السلام). و در کتاب شریف بشارة المصطفی: صفحه ۱۹۳ نیز مانند آن است.
- 2- بحار الأنوار: جلد ۲۲ صفحه ۱۲۵ باب ۳۷ حدیث 96 و جلد ۲۳ صفحه ۳۷۹ باب ۲۱ حدیث ۶۷ و تأویل الآيات الظاهرة: صفحه ۵۸۵ از کتاب شریف الکافی: جلد ۱ صفحه ۴۲۶ باب فیه نکت و تنف من التّنزیل فی الولاية حدیث 71 به سند خود از امام جعفر صادق (علیه السلام). در بحار الأنوار: جلد ۳۰ صفحه ۱۷۱ باب ۲۰ حدیث 28 و جلد ۳۵ صفحه ۳۳۶ باب ۱۳ حدیث ۱ از تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی: جلد ۲ صفحه ۳۱۹ و در کتاب شریف مناقب آل ابی طالب: جلد ۳ صفحه ۹۴ نیز مانند آن آمده است.

امام جعفر صادق (علیه السلام) در تفسیر فحشاء و منکر فرمودند : (مقصود) ولایت فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) است . (1)

امام محمد باقر (علیه السلام) در تفسیر فحشاء و منکر در آیه کریمه : * إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ* فرمودند : خداوند از فحشاء و منکر باز داشته است و همانا

آنان ، کسانی هستند که به ما اهل بیت ظلم کرده و به سوی غیر ما دعوت

1- تفسیر شریف العیاشی : جلد ۲ صفحه ۲۶۷ حدیث 60 به سند خود از امام جعفر صادق (علیه السلام) .

کردند . (1)

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر فحشاء ، منکرو بغی فرمود : مقصود فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) و فلانی (عثمان) است . (2)

1- بحار الأنوار : جلد ۲۳ صفحه ۲۶۸ باب ۱۵ حدیث 15 و جلد ۲۴ صفحه ۱۹۰ باب ۵۲ حدیث ۱۴ و جلد ۳۶ صفحه ۱۸۰ باب ۳۹ از تفسیر شریف العیاشی : جلد ۲ صفحه ۲۶۷ حدیث 59 به سند خود از امام محمد باقر (علیه السلام) . در تفسیر شریف العیاشی : جلد ۲ صفحه ۲۶۸ حدیث 63 نیز مانند آن آمده است .

2- بحار الأنوار : جلد ۲۴ صفحه ۱۸۸ باب ۵۲ حدیث 6 و جلد ۳۰ صفحه ۱۷۱ باب ۲۰ حدیث ۲۶ و جلد ۳۶ صفحه ۱۷۹ باب ۳۹ حدیث ۱۷۲ از تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی : جلد ۱ صفحه ۳۸۸ . همچنین بحار الأنوار : جلد ۳۶ صفحه ۱۸۰ باب ۳۹ حدیث 173 از تفسیر شریف العیاشی : جلد ۲ صفحه ۲۶۷ حدیث ۶۲ به سندش از امام باقر (علیه السلام) مانند آن را آورده است .

امام محمد باقر (علیه السلام) در تفسیر فحشاء و منکر و بغی فرمودند: آنان، ستمگران به رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت، کشتندگان ایشان و کسانی اند که حقوق اهل بیت (علیهم السلام) را (از ایشان) بازداشتند. (1)

آزاردندگان فاطمه، آزاردندگان خدا و رسول اند

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: . . . سپس حضرت زهرا علیها السلام از ابوبکر و عمر چنین درخواست کردند: شمارا به خداوندی که جز او خدایی نیست، آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حق من شنیدید که فرمودند: مَنْ أَدَى فَاطِمَةَ فَقَدْ أَدَانِي، وَ مَنْ أَدَانِي فَقَدْ أَدَى اللَّهَ؟ هرکس فاطمه را بیازارد مرا آزرده و هرکس مرا بیازارد، خدا را آزرده است؟ گفتند: آری شنیدیم. حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: گواهی می دهم که شما دو تن،

1- بحار الأنوار: جلد ۲۴ صفحه ۱۸۸ باب ۵۲ حدیث 7 و تأویل الآيات الظاهرة: صفحه ۲۶۴ هر دو از کتاب شریف إرشاد القلوب واعظ دیلمی به سند خود از امام محمد باقر (علیه السلام).

به یقین مرا آزردید . (1)

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند : حضرت زهرا علیها السلام به ابوبکر و عمر فرمود : آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیدید که می فرمودند : فَاطِمَةُ بَصَدَّ عَنِّي ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي ، وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ؟ فاطمه پاره ای از (وجود) من است ، پس هرکس او را بیازارد ، مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد ، خدا را آزرده است؟ گفتند : آری (شنیده ایم) . حضرت فرمود : فَوَاللَّهِ لَقَدْ آذَيْتُمَانِي پس به خدا سوگند شما دو تن مرا آزردید . (2)

لعنت خدا بر آزار دهندگان خدا و رسول

- 1- بحار الأنوار : جلد ۲۹ صفحه ۱۵۷ حدیث 2 از مصباح الأنوار . و در بحار الأنوار : جلد ۲۹ صفحه ۱۵۷ حدیث 4 به نقل از امام صادق از پدران گرامی ایشان (علیهم السلام) مانند آن آمده است .
- 2- کتاب شریف دلائل الإمامة ، نگاشته محمد بن جریر طبری شیعی : صفحه ۱۳۴ حدیث ۴۳ به سند متصل و صحیح از امام جعفر صادق (علیه السلام) . همچنین کتاب شریف الدرر النظیم نگاشته ابن حاتم العاملی : صفحه ۴۸۳ مانند این دو حدیث را از ابن عباس همراه با اضافاتی نقل می کند . رجوع کنید به بحار الأنوار : جلد ۴۳ صفحه ۱۷۰ حدیث 1 و عوالم العلوم : جلد 11 صفحه 411 و 504 و مأساة الزهراء علیها السلام ، السید جعفر مرتضی : جلد ۲ صفحه ۶۵ حدیث 32 .

خدای تعالی می فرماید : *إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا(1) همانا کسانی که خدا و پیامبرش را آزار می دهند ، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برای آنها عذاب خوارکننده ای مهیّا ساخته است* .

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ(2) و آن کسانی که رسول خدا را می آزارند ، عذاب دردناکی برای آنهاست .

اعتراف عمر به جنایات...

1- (۳۳) سوره الأحزاب : آیه ۵۸ .

2- (۹) سوره التّوبة : آیه 61 .

در کتاب شریف بحار الأنوار : جلد 30 صفحه 287 باب 20 حدیث 151 به سند خود از قسمت مفقود شده کتاب شریف دلائل الإمامة به سندش از سعید بن المسيّب نقل می کند که عمر بن الخطاب علیه اللّعة و العذاب در نامه خود به معاویه ادخله الله الهاوية چنین نوشت : . . . فخرجت فاطمة فوقفت من وراء الباب ، فقالت : أَيُّهَا الصَّالُونَ الْمُكذَّبُونَ ! ماذا تَقُولُونَ وَ أَيَّ شَيْءٍ تُرِيدُونَ؟ فقلت : يا فاطمة ! فقالت فاطمة : ما تَشَاءُ يا عُمَرُ؟ فقلت : ما بال ابن عمك قد أوردك للجواب و جلس من وراء الحجاب؟ فقالت لي : طُعْيَانُكَ يا شَقِيءُ أَخْرَجَنِي وَ أَلَزَمَكَ الْحُجَّةَ ، وَ كُلَّ ضَالٍّ غَوِيٍّ . فقلت : دعى عنك الأباطيل و أساطير النساء و قولى لعلى يخرج ، لا حبّ و لا كرامة . فقالت : أَيْحِزْبِ الشَّيْطَانِ تُخَوِّفُنِي يا عُمَرُ وَ كَانَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ضَعِيفاً؟ فقلت : إن لم يخرج جئت بالحطب الجزل و أضرمتها ناراً على أهل هذا البيت و أحرق من فيه ، أو يقاد على إلى البيعة ، و أخذت سوط قنفيذٍ فضربت و قلت لخالد بن الوليد : أنت و رجالنا هلمّوا في جمع

الخطب، فقلت: إني مضرمة. فقالت: يا عدو الله وعدو رسوله وعدو أمير المؤمنين. فضربت فاطمة يديها من الباب تمنعني من فتحه فرمته فتصعب عليّ فضربت كفيها بالسوط فألمها، فسمعت لها زفيراً وبكاءً، فكادت أن ألين وأنقلب عن الباب فذكرت أحقاد عليّ وولوعه في دماء صناديد العرب، وكيد محمدٍ وسحره، فركلت الباب وقد ألصقت أحشاءها بالباب تترسه، وسمعتها وقد صرخت صرخةً حسبتها قد جعلت أعلى المدينة أسفلها، وقالت: يا أبتاه يا رسول الله! هكذا كان يفعل بحبيبتك وابتنتك، آه يا فضة! إليك فخذيني فقد والله قتيل ما في أحشائي من حملٍ. وسمعتها تمنخص وهي مستندة إلى الجدار، فدفعت الباب ودخلت فأقبلت إليّ بوجهٍ أغشى بصرى، فصفت صفقةً على خديها من ظاهر الخمار فانقطع قرطها وتناثرت إلى الأرض (1). . . . - . . . پس فاطمه آمد و پشت در

1- برخی دیگر از منابع نامۀ عمر لعنة الله عليه: کتاب شریف الصراط المستقیم: جلد ۳ صفحه ۲۵، کتاب الأربعین، ملامحه مدطاهر قمی شیرازی صفحه 565-566 از کتاب الصراط المستقیم، مجمع الثورین، شیخ أبو الحسن مرندی: صفحه ۱۰۵، شاخه طوبی، میرزا حسین نوری طبرسی مؤلف کتاب شریف مستدرک الوسائل صفحه 199 تحت عنوان: صورت عهدنامه که عمر ابن الخطاب به معاویة بن ابی سفیان لعنة الله علیهما نوشته بود که از کتاب شریف بحار الأنوار از دلائل طبری متن عربی و ترجمه فارسی آن را آورده است.

ایستاد و گفت : ای گمراهانِ تکذیب‌کننده ! چه می‌گویید و چه می‌خواهید؟ گفتم : ای فاطمه ! گفت : چه می‌خواهی ای عمر؟ گفتم : چرا پسر عمویت تو را برای پاسخ‌گویی فرستاده و خود در پس پرده نشسته است؟ در پاسخ به من گفت : ای بدبخت ! سرکشی تو مرا بیرون آورد تا حجّت را بر تو و هر گمراهِ سرکش دیگر ، تمام کند . گفتم : این یاوه‌ها و افسانه‌های زنانه را از خود واگذار و به علی بگو بیرون آید که دوستی و احترامی در بین نیست . گفت : آیا مرا از لشکر شیطان می‌ترسانی ای عمر ، حال آنکه لشکر شیطان ناتوان است؟

گفتم : اگر بیرون نیاید ، هیزم خشک بسیار زیادی می آورم و کسانی را که در خانه هستند ، می سوزانم مگر اینکه علی را برای بیعت بیرون کشیده ، همراه ببریم . و تازیانه قنفذ را گرفتم و زدم . و به خالد بن ولید گفتم : تو و مردان ما ، هیزم جمع کنید . سپس گفتم : من آن را برمی افروزم . فاطمه گفت : ای دشمن خدا و دشمن پیامبرش و دشمن امیرالمؤمنین . سپس فاطمه دست هایش را جلوی خانه گرفته ، نمی گذاشت در را بگشایم . سعی کردم در را بگشایم اما این کار بر من سخت و دشوار شد . پس با تازیانه به دو دست او زدم که او را به درد آورد . صدای ناله سوزناک و گریه او را شنیدم . نزدیک بود نرم شوم و از در آن خانه بازگردم . در این هنگام کینه هایی که از علی داشتم و آزمندی و حرصی که او بر ریختن خون بزرگان عرب داشت و نیز نیرنگ و جادوگری محمد را یاد کردم ، پس به در لگد زدم در حالی که فاطمه

شکم خود را به در چسبانده بود و از آن نگهبانی می کرد . و از او شنیدم که فریادی برآورد که گمان کردم مدینه زیر و رو شد و گفتم : ای پدرجان ، ای رسول خدا ! با حبیبه و دختر تو این چنین رفتار می شود . آه ای فضّه ! مرا دریاب که به خدا سوگند طفلی که در شکم من بود کشته شد . و صدای ناله او را به خاطر درد زایمان ، شنیدم در حالی که به دیوار تکیه داده بود . پس در را فشار دادم و داخل شدم . به من رو آورد طوری که بینایی مرا پوشاند (جلوی دید مرا گرفت) . بدین جهت از روی مقنعه ، طوری بر گونه هایش سیلی زدم که گوشواره اش گسیخت ، (قطعه قطعه شده و) بر روی زمین پراکنده شد

نفرین حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه سلام الله علیها خطاب به ابوبکر لعنه الله

فرمودند : فَإِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنَّكُمْ أَسْخَطْتُمَانِي وَ مَا أَرْضَيْتُمَانِي وَ لَئِن لَّقِيتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَأَشْكُوَنَّكُمْ إِلَيْهِ وَ اللَّهُ لَادْعُونَ

اللَّهُ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ أُصَلِّبُهَا

پس همانا خدا و فرشتگانش را گواه می گیرم! به درستی که شما مرا خشمگین کرده و خشنود نمودید و چون پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات کنم حتماً شکایت شما را نزد او خواهم برد . . . به خدا سوگند! در هر نماز که به پا می دارم، تو را نفرین می کنم . (1)

1- مدارک فرمایش حضرت فاطمه علیها السلام از کتاب های شیعیان : الشافی فی الإمامة ، الشریف المرتضی : جلد 4 صفحه 85 ، تلخیص الشافی ، الشیخ الطوسی : جلد 3 صفحه 152 ، الصراط المستقیم ، البیاضی : جلد 2 صفحه 293 ، مناقب أهل البيت عليهم السلام ، المولی حیدر الشیروانی : صفحه 402 ، بحار الأنوار : جلد 28 صفحه 357 و جلد 29 صفحه 328 ح 1 و صفحه 376 ، أعيان الشیعة : جلد 1 صفحه 318 الغدير : جلد 7 صفحات 229-230 ، مأساة الزهراء علیها السلام ، السید جعفر مرتضی : جلد 1 صفحه 255 ، الهجوم علی بیت فاطمة علیها السلام ، عبدالزهراء مهدی : صفحه 139 ، موسوعة شهادة المعصومین عليهم السلام : جلد 1 صفحه 179 ، حدیث 289-55 ، النّص علی أميرالمؤمنین (علیه السلام) ، السید علی عاشور : صفحه 250 . و از کتاب های پیروان اصحاب سقیفه ملعونه : السّقیفة وفدک ، الجوهری : صفحه 104 ، الإمامة والسّیاسة ، ابن قتیبة الدینوری : جلد 1 صفحه 13 چاپ الفتوح الأدبية - مصر سال 1344هـ- ، و جلد 1 صفحه 18-19 تحقیق دکتر طه الزینی چاپ الحلبي -القاهرة سال 1378هـ- ، أنساب الأشراف ، البلاذری : جلد 10 صفحه 79 چاپ دارالفکر ، الرّسائل السّیاسیة ، الجاحظ : صفحه 467 چاپ مكتبة دارالھلال ، شرح نهج البلاغة ، ابن أبی الحدید : جلد 16 صفحه 214 نامه 45 به عثمان بن الأحنف ، أعلام النّساء ، عمر رضا كحالة : جلد 3 صفحه 1214 .

بخش دوم: وجوه اعتبار دعای صنی قریش

اشاره

درباره اعتبار این دعای شریف و عظیم الشان، دلایل محکم بسیاری وجود دارد که برخی از آنها آورده می شود .

متن این دعای شریف ، نه تنها با قرآن و سنت مسلّمه ، هیچ تعارضی ندارد ، بلکه شواهد بسیاری نیز در آن دو دارد که در کتاب «شرح الولا» از آن ها یاد شده است .

عبارت های دعا بر حقایق قرآنی و تاریخی مستند دلالت دارد و کسی را دلیل بر انکار آن ها نیست .

متن این دعای شریف بر سیاق دعاهای مسلّم الصدور از خاندان عصمت و طهارت است و کسی که از دریای معارف آنان چشیده است اختلافی در آن نمی یابد .

همچنین گذشته از اینکه حتی یک نفر از علما و محدّثین ، بر سند و متن این دعا خدشه ای وارد نکرده اند ، متن آن ، مورد قبول علما و محدّثین بوده است و فقرات آن را در موارد

بسیاری نقل کرده اند . این دعا ، مورد پذیرش بزرگانی هم چون فیض کاشانی ، مجلسی اوّل و دوّم ، صاحب مستدرک الوسائل و شیخ مرتضی انصاری و . . . دیگر علمای شیعه می باشد .

منابع دعای شریف صنمی قریش

کهن ترین منبع معتبری که تا کنون برای این دعای شریف شناخته شده ، کتاب «شرح الولاة فی شرح الدّعاء» می باشد .

مؤلف کتاب «شرح الولاة فی شرح الدّعاء»

شیخ ابوالسّعد عادات اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد الاصفهانی ملّقب ب - «سفرویه یا شفرویه» متوفی سال 640 قمری هستند . ایشان دو شرح بر این دعای شریف نوشته اند که بحمدالله در سال های اخیر همراه با شرح و تحقیق شیخ قیس العطار به چاپ رسیده و دو شرح شیخ اسعد و شرح الشّرحین شیخ قیس ، همگی بالغ بر ۷۱۲ صفحه در قطع وزیری است .

جناب شیخ اسعد از شیوخ اجازات و استاد سیّد جلیل

علی بن طاووس بوده است و سید از ایشان اجازه نقل حدیث داشته و از او با عنوان «شیخ فاضل و حافظ» یاد می‌کند. صاحب وسائل الشیعه نیز از ایشان با تعبیر «عالم و فاضل و محقق» یاد نموده است. صاحب الذریعه می‌نویسد: وی از جلیل‌ترین های استادان سید ابن طاووس بوده است. مجلسی اول و دوم، شیخ کفعمی و سایرین، از او به علم و تحقیق یاد نموده‌اند و کسی وی را قدح نکرده است.

علما و محدثین شیعه، از کتاب های ایشان روایاتی را نقل کرده‌اند و سید بن طاووس، تمامی کتاب های حدیث و فقه و سایر علوم اسلامی را از طریق وی نقل می‌نماید.

اعتبار و فضیلت دعای شریف صنمی قریش

جناب شیخ ابو السّعادات در صفحه ۵۸ مقدمه شرح خود می‌نویسد: **إعلم أنّ هذا الدّعاء من غوامض الأسرار و کرائم الأوراد** **لأمیر المؤمنین علیّ (علیه السلام)**، **یواظب علیه فی لیله و نهاره و فی أوقات أسحاره خلال أدعیه أوتاره.**

وقد روى أن أمير المؤمنين علياً صلوات الله عليه دخل المسجد ذات ليلة ، فظنَّ أن المسجد خالٍ ليس فيه أحد و شرع في صلاة اللّيل و جهر في قراءة القرآن و ما كان له من الأوراد حتّى وصل الوتر . فلمّا ابتداء بقراءة دعاء القنوت و فرغ ، قرأ هذا الدّعاء بصوت عال ، ظلّنا بخلو المسجد و غيبة النّاس عنه . فلمّا فرغ من صلاته و دعائه ، جلس ، فأحسّ بحضور إنسان ، فقال : هل في المَسْجِدِ أَحَدٌ؟ فأجابه عبد الله بن العباس رحمهما الله ، فقال : نعم ، يا أمير المؤمنين مملوك .

فقال : هل مَعَكَ غَيْرُكَ؟ فقال : لا ، ليس معنا ثالث . فقال : وَ هَلْ سَمِعْتَ دُعَاءَ الْوَتْرِ وَ مَا دَعَوْتُ بِهِ؟ فقال : نعم . فقال : هل حَفِظْتَهُ؟ فقال : نعم ، حفظته يا أمير المؤمنين . فقال : فَاحْفَظْهُ فَإِنَّهُ مِنْ غَوَامِضِ الْأَسْرَارِ ، وَ لَا يَطَّلِعُ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا عَثَرْتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي . أمّا عَهْدِي مَعَكَ أَنْ لَا تُظْهِرُ لِأَحَدٍ غَيْرِ أَهْلِ ، وَ كُنْ بِهِ ضَنِيناً . مَنْ دَعَا بِهِ مِنْ خَالِصِ إِعْتِقَادِهِ ، وَ صَفَاءِ نِيَّتِهِ ، وَ صِدْقِ طَوِيلَتِهِ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَاجَاتَهُ بِفَضْلِهِ وَ بَرَكَاتِهِ .

و الدعاء هذا : اللَّهُمَّ الْعَن صَنَمِي قُرَيْشٍ وَ

توجه کنید که امیرالمؤمنین در شب و روز و هنگام سحرگاه ،

در دعاهای وتر خود ، بر خواندن این دعا مواظبت می نموده و بهاین عبّاس فرمودند : این دعا از غوامض اسرار و کرائم اوراد است و جز اهل بیت و عترت علیهم السلام از آن آگاهی ندارند و عهد من با تو آن است که آن را جز نزد کسانی که اهلّیت آن را دارند (شیعیان حافظ اسرار) ، فاش نکرده و از انجام این کار خودداری کنی . هرکس با باور پاک و صفای نیت و راستی اش این دعا را بخواند ، خداوند به فضل و برکت هایش ، خود حاجت های او را برایش روا کند .

اضافه بر محدّثین از علمای شیعه که اعتبار این دعای شریف نزد آنان از مسلّمات است ، فقهای شیعه نیز آن را اخذ به قبول نموده اند . از میان آنان شیخ انصاری صاحب کتاب فرائد الأصول و المکاسب است که کتاب ها و نظرات ایشان هنوز از کتاب های درسی رایج در حوزه های علمیّه است . ایشان در کتاب الصّلاة : جلد 1 صفحه 415 می نویسند : مضافاً إلی ورود بعض الأدعیة المشتملة علی هذه الكلمة کدعاء صنمی قریش

الذی کان یقنت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) - اضافه بر آنکه برخی از دعاهای وارد شده شامل این کلمه است ، مانند دعای صنمی قریشی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیوسته بدان قنوت می فرمودند .

صحیح بودن روایات (سندهای) دعای شریف صنمی قریش

شیخ اسعد می نویسد : لا شک بصحّة الروایات عن الرواة الثقات أنّ هذا الدعاء من أوراد أمير المؤمنين ، و امام المتّقین ، و وصی رسول ربّ العالمین ، و اولاده المنتجبین ، الأئمّة المعصومین ، علیهم کرائم الصّلوات ، و شرائف التّحیّات ، و هم علی قرائته مواظبون ، و علی تلاوته مداومون ، أوقات الأسحار ، فی أوراد الأوتار - بر صحیح بودن روایاتی (دقت کنید که می نویسد : روایات) که از راویان ثقه و مورد اعتماد نقل شده تردیدی وجود ندارد ، مبنی بر اینکه این دعا از اوراد امیر مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و جانشین فرستاده ی خدای جهانیان و فرزندان برگزیده او ، امامان معصوم - که گرامی ترین صلوات و شریف ترین درودها بر آنان باد - می باشد و ایشان بر

خواندن آن مواظبت می نمودند و بر تلاوت آن در هنگام سحرگاه، در ضمن دعاهای وتر و نماز شب خود، مداومت می کردند (سپس شرح را آغاز کرده است).

ایشان تصریح دارد که این دعای شریف، دارای روایات و سندهایی چند از جانب افراد مورد اطمینان است. کمترین جمع در عربی، عدد سه می باشد که ایشان علاوه بر تأکید بر صحّت آنها، اعلام می کند که در صحّت سند آن روایات ها، جای هیچ تردیدی نیست.

شرح های دعای شریف صنمی قریش

در صفحه نهم از قسمت مقدمه محقق کتاب رشح الولاء، عنوان شرح های شناخته شده دعای شریف صنمی قریش را که از قرن هفتم شروع شده اند، با ذکر مأخذ (الذریعة و...) همراه با توضیح کامل، ۹ شرح یاد کرده که عبارتند از:

۱- دو شرح مبسوط و مختصر به نام رشح الولاء فی شرح الدعاء، نگارش شیخ أبو السّعادات أسعد بن عبدالقاهر می باشد

که کهن ترین شرحی است که به دست ما رسیده است .

۲- کتاب «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش ملا علی عراقی که آن را در سال ۸۷۸ قمری نگاشته است .

۳- کتاب «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش ملا عیسی خان اردبیلی که شرحی نیکو فایده بوده و آن را در سرزمین هند نگاشته است .

۴- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش یوسف بن حسین بن محمد نصیر طوسی اندرودی .

۵- «ذخر العالمین فی شرح دعاء الصّـنمـین» نگارش ملا محمد مهدی بن مولی علی اصغر بن محمد یوسف قزوینی ، که به زبان فارسی نگاشته شده و در سال ۱۱۱۶ قمری نگارش آن پایان یافته است .

۶- «شرح دعاء صنمی قریش» که شرحی به زبان فارسی و در غایت گستردگی بوده و نزد محدّث میرزا عبدالرزّاق همدانی

یافت شده است .

۷- «نسیم العیش فی شرح دعاء صنمی قریش» نگارش میر سید علی بن مرتضی طبیب موسوی دزفولی که نگارش آن را در ماه محرم سال ۱۱۶۶ قمری به پایان رسانده است .

۸- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش میرزا محمدعلی مدرّس چهاردهی نجفی .

۹- «ضیاء الخافقین فی شرح دعاء الصّمنین» که ترجمه گونه شرح الولاء است .

ما نیز به آن اضافه می کنیم :

۱۰- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش شمالا حبیب الله شریف کاشانی متوفی سال ۱۳۴۰ قمری . به علاوه محدّثینی چون مجلسی اوّل در شرح من لا یحضره الفقیه عربی و فارسی ، مجلسی دوّم در بحار الأنوار و . . . و سایر محدّثین از علما ، فقراتی از این دعای عظیم الشّان را

برخی دیگر از منابع در دسترس دعای شریف صنمی قریش

۱- کتاب فضائل اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله و مناقب اولاد بتول علیهم السلام نگارش عمادالدین حسن بن علی طبری و تصحیح رسول جعفریان است . ایشان از علمای قرن هفتم و از معاصرین خواجه نصیر الدین طوسی و علامه حلّی بوده است . وی در جلد ۲ صفحه ۱۷۶ گوید : . . . و اگر این راست بودی ، علی روایت ابن عباس امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دعای : اللّهُمَّ العن صنمی قریش نخواندی و ائمه از ایشان تظلم نزدندی چهاراً و عیاناً .

۲- کتاب «دقائق التّأویل و حقائق التّنزیل» به زبان فارسی ، نگاشته حسنی ابوالمکارم محمود بن محمّد از علمای قرن هفتم می باشد . ایشان در صفحه 68 گوید : «جبت» و «طاغوت» اشارتست به اکابر اهل باطل از منافقان صحابه ، چنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دعا فرموده است : اللّهُمَّ العن صنمی

قُرَيْشٍ وَجَبَّتِيهَا . . . و دعا را شرح کرده اند .

۳- «المحتضر» نوشته شیخ حسن بن سلیمان حلّی از علمای قرن هشتم و از شاگردان فقیه شیعه شهید اول است . وی در صفحه ۷۱ حدیث ۹۳ می نویسد : و قد روی أن أمير المؤمنين (عليه السلام) قنت في صلاته بقوله : اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنَمِي قُرَيْشٍ وَجَبَّتِيهَا . . . - و به تحقیق روایت شده است که امیر المؤمنین (علیه السلام) در قنوت خود این دعا را خوانده اند .

هم چنین در صفحه ۱۱۱ حدیث ۱۳۹ می نویسد : و ممّا يدلّ علی ما قلناه من أنّهما كانا منافقين غير مؤمنين ما سمع من قنوت مولانا أمير المؤمنين (عليه السلام) و هو هذا : اللَّهُمَّ [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ] الْعَنْ صَنَمِي قُرَيْشٍ وَ . . . - و از جمله چیزهایی که دلالت می کند بر آنچه گفتیم - مبنی بر اینکه آن دو (ابوبکر و عمر علیهما اللعنة) منافق بوده و مؤمن نبودند - آن است که از قنوت نماز مولانا امیر المؤمنین (علیه السلام) شنیده شد که فرمود : اللَّهُمَّ [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ] الْعَنْ صَنَمِي

۴ و ۵- کتاب «المصباح (جَنَّةُ الأمان الواقية)» و کتاب «البلد الأمين» نگارش شیخ ابراهیم بن علیّ عاملی کفعمی متوفی سال 905 قمری . ایشان در صفحه ۵۵۲ از کتاب المصباح می نویسند : ثمّ ادع بهذا الدّعاء المروى عن علیّ (علیه السلام) : سبّس دعا کن به این دعا که از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ الْعَنُ صَنَمَی قُرَیْشٍ وَ... .

۶- کتاب شریف «روضۃ المتّقین فی شرح من لا یحضره الفقیه» نگارش ملا محمد تقی مجلسی اوّل متوفی سال ۱۰۷۰ هجری در جلد ۵ صفحه ۲۴۲ می نویسند : كما کتبی عن العمرین فی دعاء صنمی قریش بالجبتین و الطاغوتین ، بل الظاهر و الشائع من الأخبار عن الأئمّة الأطهار سلام الله علیهم أنّ کَلِمًا ورد فی الآیات من الجبت و الطاغوت و غیرهما فهم المراد منها و إن شئت التفصیل فلاحظ الکافی ، و بصائر الدرجات ، و المحاسن ، و غیرها بل الظاهر من الأخبار أنّه لا تحصل الولاية إلا بالبراءة منهم و من أتباعهم ، و لهذا لم یرد دعاء یذکر فیہ

الولاية إلا وهي متبعة بالبراءة فتدبر - چنان که به کنیه از دو عمر (ابوبکر و عمر) در دعای صنمی قریش، دو جبت و دو طاغوت یاد شده است، بلکه از اخباری که از امامان اطهار - که درود خدا بر آنان باد - آشکار و مشهور است، این است که آنچه در آیات قرآن، سخن از جبت و طاغوت و غیر اینها شده، مقصود آنان هستند و اگر تفصیل بیشتر خواستی، کتاب های الکافی و بصائر الدرجات و المحاسن و غیر آن ها را ملاحظه نما. بلکه از احادیث آشکار است که ولایت، جز به بیزاری جستن از آن ها (ابوبکر و عمر و . . .) و پیروان آن ها حاصل نمی شود و به همین جهت است که دعایی وارد نشده مگر اینکه به دنبال آن برائت نیز آمده است، بنابراین تدبر نما.

۷- وی در کتاب شریف «لوامع صاحبقرانی» در شرح فارسی کتاب من لایحضره الفقیه جلد ۶ صفحه ۲۳۸ می نویسد: و در دعای صنمی قریش نیز حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه اشاره فرمود که: وَ دَبَابٍ دَحْرَجُوهَا

در جلد ۸ صفحه ۵۹۰ گوید: و تسمیه ایشان به جبت و طاغوت ابتدا از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شد

در دعای صنمی قریش که آن حضرت در قنوت و سجده نماز شب و غیر آن می خواندند ، و چون لفظ لات و عزّی مؤنث است کنایه از آن دو ملعونه (عائشة و حفصة) است که نماز کسی تمام نشود تا در تعقیب آن نماز چهار مرد و چهار زن را لعنت نکند و آن : فلان (ابوبکر) و فلان (عمر) و فلان (عثمان) و معاویه است ، و فلانه (عایشه) و فلانه (حفصه) و امّ الحکم خواهر معاویه و هند مادر آن ملعون است .

۸- کتاب شریف «الوافی» نگارش ملا محمّد محسن فیض کاشانی متوفی سال ۱۰۹۱ قمری است . وی در جلد ۲ صفحه ۲۱۷ می نویسد :
... أراد بالصنمین الأولین كما فی دعاء

صنمی قریش . . . - (امام محمدباقر (علیه السلام)) با فرمایش خود از صَنَمَین (دویت)، دو اوّلی (ابوبکر و عمر) را اراده نموده چنان که در دعای صنمی قریش است

۹- کتاب «علم الیقین فی اصول الدّین» نگارش ملا محسن فیض کاشانی . او در جلد ۳ صفحه ۸۳۰ فصل ۷ (تظلم مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام)) . . . می نویسد : و لیعلم أنّ تظلم مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام) ممّن تقدّم، علیه کثیر فی کلامه و خطبه و دعواته، و سنذکر شیئا من ذلك : فممنه ما رواه الكفعمی عن ابن عبّاس، عن علیّ (علیه السلام) : أنّه کان یقنت بهذا الدعاء فی صلاته و قال : إنّ الدّاعی به کالرّامی مع النّبی صلی الله علیه و آله فی بدر و احد و حنین بألف ألف سهم و هو : اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ الْعَنْ صَنَمَی قُرَیْشٍ وَ . . . - و باید دانست که به یقین مولای ما امیرمؤمنان (علیه السلام) از پیشینیان خود (ابوبکر و عمر و عثمان) در سخنان، خطبه ها و دعاهاى خود، تظلم می فرمود و به زودی برخی از آن را ذکر می کنیم : از جمله متنی است که

کفعمی آن را از ابن عبّاس از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده است که حضرت در نماز به آن قنوت می کردند و فرموده اند : همانا (ثواب) کسی که این دعا را بخواند مانند کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و احد و حنین ، هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب کرده باشد ، و آن دعا این است : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ أَعِنِّ صَنْمَى قُرَيْشٍ وَ

۱۰- کتاب «قرّة العیون» تألیف ملا محسن فیض کاشانی نشر دار الکتاب الإسلامی است . وی در صفحه ۴۱۷ می نویسد : کلمة فیها اشاره الی ارتداد أكثر هذه الأمة بعد نبیها و السبب فی ذلك . . . و قد أشار أمير المؤمنین (علیه السلام) إلی بعض منکراتهم فی دعاء صنمی قریش -سخنی در اشاره به ارتداد بیشتر این امت و سبب آن . . . همانا امیر مؤمنان در دعای صنمی قریش به برخی از آن ها اشاره نموده است .

۱۱- کتاب «نوادر الأخبار» نوشته ملا محسن فیض کاشانی نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران . او در

صفحه ۱۸۴ می نویسد : باب إظهار مخالفتهم بعد وفاة النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارْتِدَادِهِمْ جَهْرًا . . . وقد أشار أمير المؤمنين (عليه السلام) إلى بعضها في دعاء صنمي قریش -باب آشکار نمودن مخالفتشان با ولایت پس از وفات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارْتِدَادِهِمْ آشکار آنان . . . و به تحقیق امیر مؤمنان (علیه السلام) در دعای صنمی قریشبه برخی از آن ها اشاره نموده است .

۱۲- مرحوم علاء مه ملا- محمد دباقر مجلسی دوّم متوفی سال ۱۱۱۱ قمری . ایشان در دائرة المعارف عظیم شیعه بحار الأنوار جلد 30 صفحه 393 حدیث 166 و ۱۶۷ می گوید : ودعاء صنمی قریش مشهور بین الشيعة ، ورواه الكفعمی عن ابن عباس ، أنّ أمير المؤمنين (عليه السلام) كان يقنت به في صلاته -و دعای صنمی قریش که در میان شیعیان مشهور است و کفعمی آن را از ابن عباس چنین نقل کرده که امیر المؤمنین (علیه السلام) به آن دعا قنوت می کردند . سپس دعا را

آورده است .

و در جلد 31 صفحه 631 حدیث 133 می نویسد : سلف دعاء صنمی قریش الذی هو دعاء رفیع الشان ، عظیم المنزلة ، رواه عبدالله ابن عباس عن علی (علیه السلام) أنه کان یقنت به ، وقال : إِنَّ الدَّاعِيَ بِهِ كَالرَّامِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَدْرٍ وَأُحُدٍ وَحُنَيْنٍ بِالْأَلْفِ أَلْفٍ سَهْمٍ - دعای صنمی قریش گذشت - که دعایی بلند مرتبه و عظیم المنزلة است - که عبدالله ابن عباس از حضرت علی (علیه السلام) آن را روایت کرده و این که حضرت پیوسته به آن قنوت می کرده و فرموده اند : همانا (ثواب) دعاکننده به این دعا چون کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و احد و حنین هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب نموده باشد .

۱۳- «ترجمه فرحة الغری» علامه ملا محمد باقر مجلسی دوم در صفحه 103 ب 6 گوید : و تسمیه به جبت و طاغوت ابتداء از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) شد در دعای صنمی قریش که آن حضرت در قنوت و سجده نماز شب و غیر آن

می خواندند . (نام گذاری ابوبکر و عمر به «جبت» و «طاغوت» نخست از جانب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آن هم در دعای صنمی قریش - که در قنوت و سجده نماز و . . . می خوانده اند - صورت گرفت) .

۱۴- کتاب «نورالبراهین» نگاشته سید جلیل نعمه الله جزائری متوفی سال ۱۱۱۲ هجری نشر اسلامی قم است . ایشان در جلد ۲ صفحه ۳۴۴ چنین مرقوم فرموده است : هم أصنام قریش ، كما يظهر من دعائه عليه السلام في دعاء صنمی قریش واللّعن عليهما - آنان (ابوبکر و عمر) بت های قریش اند ، چنان که از دعای حضرت علی (علیه السلام) در دعای صنمی قریش و لعنت نمودن آن دو آشکار می شود .

۱۵- کتاب شهاب ثاقب تألیف ملا مهدی نراقی متوفی سال 1244 هجری ، نشر کنگره بزرگداشت محققان نراقی در سال 1380 خورشیدی است . وی در صفحه ۲۹ می نویسد : و در دعای صنمی قریش که به حدّ یقین رسیده است که از کلام

معجز نظام حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و عدول مشایخ شیعه به طرق معتبره ، این دعا را از آن حضرت روایت کرده اند اشاره به این معنی شد و در آن دعا حضرت ابتدا فرموده که «اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنْمَى قُرَيْشٍ وَ جَبْتَيْهَا وَ طَاغُوتَيْهَا . . . » یعنی : بار خدایا لعن کن بر دو صنم قریش و بر دو جبت و دو طاغوت قریش . بعد از آن به ازای عمل بدی که ایشان کرده اند ، لعنی بر ایشان کرده است و آن اعمال را به تفصیل اسم برده از غضب خلافت و منع ارث ، و منبر پیغمبر صلی الله علیه و آله را خالی کردن از وصیّ او و غیر ذلک از اعمال قبیحه ایشان تا آن که ایشان را لعن کرده به سبب بالا رفتن ایشان بر عقبه و انداختن دَبّاب بر پیش پای پیغمبر صلی الله علیه و آله ، و اکثر فقرات آن دعا نصّ صریح است که مراد از صنمی قریش اول و ثانی اند و هر که ملاحظه فقرات آن را بکند می داند که حضرت امیر (علیه السلام) از ایشان چه در دل داشته (است) .

۱۶- کتاب شریف «مستدرک الوسائل» نوشته میرزا حسین نوری طبرسی متوفی سال ۱۳۲۰ هجری چاپ مؤسسه آل البيت عليهم السلام است . وی در جلد 4 صفحه 405 حدیث 21/8 50 از کتاب «البلد الامین» و «جنة الامان» کفعمی از حضرت علی (علیه السلام) نقل نموده که حضرت به آن قنوت می کردند و فرموده اند : **إِنَّ الدَّاعِيَ بِهِ كَالرَّامِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَدْرٍ وَأُحُدٍ بِأَلْفِ أَلْفِ سَهْمٍ -** برای دعا کننده به این دعا (ثواب) کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و احد ، هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب نموده باشد .

۱۷- و میرزا حبیب الله خویی متوفی سال ۱۳۲۴ قمری در جلد 14 صفحه 397 «منهاج البراعة» در شرح بر نهج البلاغه می نویسد : . . . دعاؤه المعروف بدعاء صنمی قریش الذي كان يواظب عليه في قنوته و سایر أوقاته ، و قد رواه غير واحد من أصحابنا قدس الله أرواحهم في مؤلفاتهم ، و أحببت

نقله هنا لكونه أنقض لظهر النَّاصِبِينَ ، و أرغم أنف المعاندين ، و أبطل لزعم من توهم ثناء أمير المؤمنين لهذين الذين لا حريجة لهما في الدين - . . . دعای حضرت علی (علیه السلام) که معروف است به «دعای صنمی قریش» که در قنوت و سایر اوقات شان ، به خواندن آن مواظبت می نمودند . و نه یک تن (شمار بسیاری) از اصحاب ما (شیعیان) قدس الله ارواحهم در نوشته های خود آن را روایت نموده اند و من نیز دوست داشتم آن را در اینجا نقل نمایم زیرا آن بر ناصبیان کمر شکن تر ، و بر ساییدن بینی دشمنان کاری تراست و برای ادعای کسانی که توهم می کنند امیرالمؤمنین (علیه السلام) این دو تن را (عمر و ابوبکر) - که جایگاهی در دین ندارند - ثنا گفته است ، باطل کننده تر است .

۱۸- کتاب «التعلیقة علی المکاسب» نگاشته سید مجاهد عبدالحسین لاری متوفی سال ۱۳۴۲ هجری چاپ مؤسسه المعارف الإسلامیة - قم است . وی در جلد ۱ صفحه ۲۳۲

می نویسد : بل كان عليّ عليه السلام يقنت بلعن صنمى قريش فى كلّ غداة - بلکه حضرت علی (علیه السلام) در هر صبح گاه به دعای صنمى قريش قنوت می فرمود .

۱۹- کتاب گران سنگ دائرة المعارف فقه مأثور اهل بیت اطهار علیهم السلام «جامع أحاديث الشیعة» که به دستور و إشراف آیه الله بروجردی رحمه الله علیه گردآوری شده است ، این دعای شریف را در جلد 5 صفحه 312 حدیث 3256 (14) از مستدرک الوسائل آورده است .

۲۰- آیه الله مرعشى نجفی رحمه الله علیه در گنجینه ارزشمند «شرح إحقاق الحق» جلد 1 صفحه 337 می نویسند : . . . كما أشار إليه مولانا أميرالمؤمنين عليّ (عليه السلام) ، فى دعاء صنمى قريش ، بقوله : اللَّهُمَّ الْعَنِّ صَنَمِي قُرَيْشٍ وَ . . . - چنان که مولای ما امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دعای صنمى قريش به این موضوع اشاره نموده است به فرمایش خود : اللَّهُمَّ الْعَنِّ صَنَمِي قُرَيْشٍ وَ . . .

علاوه بر تمام اینها ، دعاهایی وجود دارند که در مضمون و

الفاظ با دعای شریف صنمی قریش شباهت بسیاری دارند . از جمله دعای ارزشمندی است که سید جلیل ابن طاووس در کتاب شریف مهج الدعوات از کتاب جامعی قدیمی تألیف محمد بن محمد بن عبدالله بن فاطر به سند متصل خود از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود : **مِنْ حَقَّنَا عَلَى أَوْلِيَانَا وَآسَدِياعِنَا أَنْ لَا يَنْصَرِفَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ مِنْ صَلَاتِهِ حَتَّى يَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَهُوَ -** از جمله حقوق ما (اهل بیت) بر دوستان و شیعیانمان این است که از نماز خود فارغ نشوند جز آنکه این دعا را بخوانند :

دعای امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ ، أَنْ تُصَلِّىَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَأَنْ تُصَلِّىَ عَلَيهِمْ صَلاَةً تَامَّةً دَائِمَةً ، وَأَنْ تُدْخِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَمُحِبِّيهِمْ ، وَأَوْلِيائِهِمْ ، حَيْثُ كَانُوا ، وَأَيْنَ كَانُوا ، فِي سَهْلٍ ، أَوْ جَبَلٍ ، أَوْ بَرٍّ ، أَوْ بَحْرٍ ، مِنْ بَرَكَاتِهِ دُعَائِي ، مَا تُفَرِّجُ بِهِ عُيُونَهُمْ .

خدایا! از تو می خواهم به حق تو که بزرگ است بزرگ ، که بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی ، و بر آنان درودی جاودان بفرستی و اینکه از برکت دعای من بر محمد و آل محمد و دوست داران و پیروان ایشان ، هر کجا که باشند ، در همواری یا کوهستان یا بیابان یا دریا ، چیزی را داخل کنی که چشمان ایشان به سبب آن روشن شود .

إِحْفَظْ يَا مَوْلَايَ الْغَائِبِينَ مِنْهُمْ ، وَازْدُدْهُمْ إِلَىٰ أَهَالِيهِمْ سَالِمِينَ ، وَنَفْسٍ عَنِ الْمَهْمُومِينَ ، وَفَرَجٍ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ ، وَاكْسُ الْعَارِينَ ، وَاشْبِعِ الْجَائِعِينَ ، وَأَزِوِ الظَّامِثِينَ ، وَأَقْضِ دَيْنَ الْغَارِمِينَ ، وَزَوْجِ الْعَارِضِينَ ، وَاشْفِ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ ، وَأَدْخِلْ عَلَى الْأَمْوَاتِ مَا تَقَرَّبُ بِهِ عُيُونُهُمْ ، وَانصُرِ الْمَظْلُومِينَ مِنْ أَوْلِيَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَأَطْفِئِ نَارَةَ الْمُخَالِفِينَ .

ای مولای من! غایبان ایشان را نگهبانی کن و آنان را سلامت به خانواده هایشان بازگردان . و (غم را) از غمگینان و (اندوه را) از اندوهناکان زایل کن . برهنه ها را بپوشان و گرسنه ها را سیر گردان و تشنگان را سیراب فرما و قرض داران را ادا کن و عزبان را کدخدا کن و بیماران مسلمانان را شفا ده و بر مردگان آن چیزی را وارد گردان که به سبب آن دیدگان ایشان روشن شود و ستم دیدگان از پیروان آل محمد علیهم السلام را یاری کن و آتش (دشمنی) مخالفین را خاموش فرما .

اللَّهُمَّ وَضَاعِفْ لِعَنْتِكَ، وَبَاسِكَ، وَنِكَالِكَ، وَعَذَابِكَ، عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا نِعْمَتِكَ، وَخَوْنَا رَسُولِكَ، وَاتَّهَمَا نَبِيِّكَ، وَبَايِنَاهُ، وَحَلَّا عَقْدَهُ
 فِي وَصِيِّهِ، وَنَبَّذَا عَهْدَهُ فِي خَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ، وَادَّعَى مَقَامَهُ، وَغَيَّرَا أَحْكَامَهُ، وَبَدَّلَا سُنَّتَهُ، وَقَلَّبَا دِينَهُ، وَصَدَّ غُرَا قَدْرَ حُجَجِكَ، وَبَدَّءَا
 بِظُلْمِهِمْ، وَطَرَّقَا طَرِيقَ الْغَدْرِ عَلَيْهِمْ، وَالْخِلَافِ عَنْ أَمْرِهِمْ، وَالْقَتْلِ لَهُمْ، وَارْهَاجَ الْحُرُوبِ عَلَيْهِمْ، وَمَنَعَ خَلِيفَتِكَ مِنْ سَدِّ الثَّلَمِ، وَ
 تَقْوِيمِ الْعُوجِ، وَتَثْقِيفِ الْأَوْدِ، وَإِمْنَاءِ الْأَحْكَامِ، وَإِظْهَارِ دِينِ الْإِسْلَامِ، وَإِقَامَةِ حُدُودِ الْقُرْآنِ.

خداوندا! لعنت، شکنجه و عذابت را برای آن دو نفر دوچندان کن که نعمت تو را انکار و به پیامبرت خیانت کرده و تهمت زدند و او را دور و پیمان بسته شده او درباره وصیّ اش را شکستند و پس از او پیمانش را درباره جانشینش گسسته و جایگاه او را (برای خود) ادّعا نمودند. احکام و سنّت او را تغییر، دین او را واژگون و ارزش حجّت های تو را کوچک شمردند و آغازگر ستم به ایشان بودند و رهسپار مسیر نیرنگ بر ایشان شدند، مخالفت با دستور ایشان، کشتنشان و آتش افروزی جنگ ها علیه ایشان و بازداشتن جانشین تو از اینکه شکاف های دین را ببندد و کژی ها را راست کرده و ناهماهنگی ها را هموار و احکام را جاری و دین اسلام را آشکار سازد و حدهای قرآن را بر پا دارد.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا، وَابْتَيْبِهِمَا، وَكُلَّ مَنْ مَالَ مَيْلَهُمْ، وَحَذَا حَذْوَهُمْ، وَسَلَكَ طَرِيقَتَهُمْ، وَتَصَدَّرَ بِيَدْعَتِهِمْ، لَعْنًا لَا يَحْطُرُ عَلَى بَالٍ، وَيَسْتَعِيدُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ.

خدایا! آن دو نفر و دو دختر آنان را لعنت کن . و نیز لعنت کن تمام کسانی را که به انحراف آنان ، گرایش کرده باشند و مانند پیروی آنها پیروی کرده و راه آنان را رهروی کرده باشند و بدعت آنان را پیش انداخته باشند ، چنان لعنتی که بر خاطر هیچ کس نگذرد و اهل آتش از آن پناه جویند .

إِلْعَنِ اللَّهُمَّ مَنْ دَانَ بِقَوْلِهِمْ، وَاتَّبَعَ أَمْرَهُمْ، وَدَعَا إِلَى وَلَايَتِهِمْ، وَشَكََّ فِي كُفْرِهِمْ، مِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ .

خدایا لعنت کن هر کس که گفتار ایشان را اطاعت کرده و فرمان آنها را پیروی کرده باشد و مردم را به دوستی آنها فرا خوانده و در کفر آنها شک داشته باشد، از پیشینیان و پسینیان .

ثُمَّ ادْعُ بِمَا شِئْتَ (1) - سپس دعا کن به هر چه خواهی .

1- بحار الأنوار : جلد ۳۰ صفحه 395 باب ۲۰ حدیث 169 و جلد ۸۳ صفحه ۵۹ حدیث ۶۷ از کتاب شریف مهج الدعوات : صفحه ۳۳۳ .

همچنین از جمله دعاهایی که محتوایی شبیه به دعای صنمی قریش دارد، دعایی از امام رضا (علیه السلام) است که حضرت فرموده اند :

(1) مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَتْ الرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ بَدْرٍ (فِي بَدْرٍ وَأُحُدٍ وَحُنَيْنٍ بِأَلْفِ أَلْفِ سَهْمٍ) (2) . قالوا : قلنا : فنكتبه؟ قال : أكتبنا إذا أنتمما سجدتُما سجدةً

1- مهج الدعوات : و من ذلك دعاء آخر لمولانا الرضا عليه السلام في سجدة الشكر رويناه بإسنادنا إلى سعد بن عبد الله في كتاب فضل الدعاء ، وقال أبو جعفر : عن محمد بن إسماعيل بن بزيع ، عن الرضا ، و بكير بن صالح ، عن سليمان بن جعفر ، عن الرضا ، قالوا : دخلنا عليه و هو ساجد في سجدة الشكر فأطال في سجوده ثم رفع رأسه فقلنا له : أطلت السجود؟ فقال : . مهج الدعوات : 257 . ساير منابع : المصباح كفعمى : صفحہ 553 فصل 44 از مهج الدعوات ، بحار الأنوار : جلد 83 صفحہ 223 باب 44 حديث 44 از مهج الدعوات و جلد 30 صفحہ 393 باب 20 حديث 166 و 167 از مهج الدعوات و المصباح ، مستدرک الوسائل : جلد 5 صفحہ 139 باب 5 حديث 5516-13 و حديث 5517-14 از مهج الدعوات و البلد الأمين .

2- المصباح .

الشُّكْرِ فَتَقُولَا :

هرکس این دعا را در سجده ی شکر بخواند مانند کسی است که در جنگ بدر و احد و حنین با هزار هزار تیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را همراهی کرده باشد . (راویان گویند :) عرض کردیم : دعا را بنویسیم؟ حضرت فرمود : بنویسید . چون سجده شکر به جا می آورید ، بگویید :

دعای امام رضا علیه السلام در سجده شکر

اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلَا دِينَكَ ، وَغَيَّرَا نِعْمَتَكَ ، وَآتَيْتَهُمَا رَسُولَكَ (1)

، وَخَالَفَا مِلَّتَكَ ، وَصَدَّآ عَنْ سَبِيلِكَ ، وَكَفَرَا آلَاءَكَ ، وَرَدَّآ عَلَيْكَ كَلَامَكَ ، وَاسْتَهْزَآ بِرَسُولِكَ ، وَقَتَلَا ابْنَ نَبِيِّكَ ، وَحَرَّفَا كِتَابَكَ ، وَجَحَدَا آيَاتِكَ ، وَسَخَّرَا بآيَاتِكَ ، وَاسْتَكْبَرَا عَنْ عِبَادَتِكَ ، وَقَتَلَا أَوْلِيَآءَكَ ، وَجَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بِحَقٍّ ، وَحَمَلَا النَّاسَ عَلَى أَكْتَانِفِ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ) (2) .

1- المصباح : صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

2- البحار .

خدایا! لعنت کن آن دو نفری را که دین تو را تغییر داده و نعمت تو را دگرگون کردند (به کیفر و عذاب تبدیل کردند) و به پیامبرت تهمت زدند و با آیین تو مخالفت کرده و (مردم را) از (رهروی) راه تو باز داشتند . نسبت به نعمت های تو کفر ورزیده و سخن تو را بر تو بازگرداندند پیامبرت را ریش خند کردند و فرزند پیامبرت را کشتند . کتاب تو را تحریف کردند

و آیات تو را تکذیب و انکار کردند و استهزا نمودند و نشانه های تو را به ریش خند گرفتند و نسبت به پرستش تو تکبر ورزیدند . اولیاء تو را کشتند و در جایگاهی نشستند که سزاوار آنان نبود و مردم را بردوش های آل محمد علیهم الصلوات و السلام سوار کردند .

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا ، وَاحْشُرْهُمَا وَاتَّبِعْهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا . اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ لَهُمَا(1) ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْهُمَا ، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَقَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَابْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ(2) ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .

1- البحار ١ : عَلَيْهِمَا .

2- المصباح : بِنْتِ رَسُولِكَ .

خداوندا! آن دو شخص را لعنت کن ، لعنتی پی در پی ، و آنان و پیروان آنان را به سوی جهنم روان کن در حالی که کور باشند . خدایا ! همانا ما به درگاه تو تقرب می جوئیم به سبب و وسیله لعنت فرستادن بر آن دو و بیزاری جستن از ایشان در دنیا و آخرت . خداوندا ! بر کشته امیرالمؤمنین لعنت فرست و کشته امام حسین ، پسر علی و فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله را لعنت کن .

اللَّهُمَّ زِدْهُمَا عَذَاباً فَوْقَ عَذَابِ (1)، وَهَوَاناً فَوْقَ هَوَانٍ، وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ . اللَّهُمَّ دَعِّهِمَا فِي النَّارِ (2) دَعَاءً، وَارْكَسْهُمَا فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رُكْسًا . اللَّهُمَّ احْشُرْهُمَا وَاتَّبِعْهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمْرًا .

خداوندابر عذاب، خواری، خفت و رسوایی آنان، عذاب، خواری، خفت و رسوایی دیگری بیفزا. خدایا! آنان را به

سختی ویژه ای در آتش رانده و در عذاب دردناکت، به شدت سرنگون فرما. خداوندا! آن دو و پیروان آنان را دسته جمعی به سوی جهنم روان فرما.

1- البحار : الْعَذَابِ .

2- البحار : إِلَى النَّارِ .

اللَّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَشَدِّتْ أَمْرَهُمْ، وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَبَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ، وَالْعَنْ أَيْمَتَهُمْ، وَاقْتُلْ قَادَتَهُمْ، وَسَادَتَهُمْ، وَكُبْرَاءَهُمْ، وَالْعَنْ رُؤَسَاءَهُمْ، وَاكْسِرْ رَأْيَتَهُمْ، وَالْقِ الْبَأْسَ بَيْنَهُمْ، وَلَا تُبْقِ مِنْهُمْ دِيَارًا.

خداوندا! جمع آنها را پراکنده و کار ایشان را از هم گسیخته گردان . اتحاد آنها را از بین ببر . جماعت آنها را متفرق و پیشوایان آنها را لعنت کن . سرکردگان ، برگزیدگان و بزرگان آنها را بکش و سران آنها را لعنت کن و شکوه پرچم آنان را بشکن . اندوه و سختی را میان آنها قرار بده و یک نفر از آنها را باقی نگذار .

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ ، لَعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا ، وَيَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ ، وَكُلُّ مُؤْمِنٍ اِمْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتَعَوَّذُ أَهْلُ النَّارِ مِنْهُ وَمِنْ عَذَابِهِمَا . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا لَمْ يَخْطُرْ (1) لِأَحَدٍ بِيَالٍ . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ ، وَظَاهِرِ عَلَانِيَتِكَ ، وَ

عَذَّبَهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ (وَفَوْقَ التَّقْدِيرِ) (2) ، وَشَارِكٍ مَعَهُمَا ابْتِغَاءً ، وَأَشْيَاعَهُمَا ، وَمُحِبِّيَهُمَا ، وَمَنْ شَايَعَهُمَا ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ .

1- البحار : لا يَخْطُرُ .

2- المصباح .

خداوندا! ابوجهل و ولید را لعنت کن ، لعنتی متداوم و پی در پی . خداوندا! آن دو نفر را لعنت کن لعنتی که به سبب آن ، هر فرشته مقرب و هر پیامبر فرستاده شده و هر مؤمنی که قلبش برای ایمان مورد سنجش قرار گرفته است ، آن دو نفر را لعنت کند . خدایا! آن دو را به لعنتی لعنت کن که اهل آتش از آن و از عذاب آن دو پناه می جویند . خدایا! آن دو را به لعنتی لعنت کن که به خاطر هیچ کس خطور نکرده باشد . خداوندا! آن دو را در پنهانی راز خود و در عیانی آشکار خود لعنت کن و آنها را به عذابی معذب فرما که در تقدیر (و بلکه فراتر از تقدیر) است . و با آنان شریک گردان دختران ، پیروان و دوست داران ایشان و نیز هر کسی را که از آنان پیروی کرد . همانا تو شنونده دعا هستی .

بخش سوم: متن تلفیقی دعای صنمی قریش از مولی الموحدین امیر المؤمنین (ع)

این متن بنا بر نقل کتاب رشح الولاء بوده و عبارت های مختلفی آن با سایر منابع دعا، در [] آورده می شود .

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ).

اللَّهُمَّ الْعَنْ صَدَنَمَى قُرَيْشٍ، وَجَبَّتِيهَا، وَطَاغُوتِيهَا، وَافْكِيهَا، وَابْنَتِيهِمَا الَّذِينَ خَالَفَا أَمْرَكَ، وَانْكُرَا وَحِيكَ، وَجَحَدَا إِنْعَامَكَ [آلَاءَكَ]، وَ عَصَا يَا رَسُولَكَ، وَقَلْبَا دِينَكَ، وَحَرَفَا كِتَابَكَ، وَعَطَلَا أَحْكَامَكَ، وَأَبْطَلَا فَرَائِضَكَ، وَالْحَدَا فَيَا تِكْ، وَعَادَا أَوْلِيَاءَكَ، وَ أَحَبَا [وَالْيَا] أَعْدَاءَكَ، وَخَرَبَا بِلَادَكَ، وَأَفْسَدَا عِبَادَكَ.

(خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست).

خدایا! لعنت کن دو بت قریش را و دو افسون گر متجاوز و دروغ گوی آن (ابوبکر و عمر) و دختران آن ها (عایشه و حفصه) را. آن دو که با امر تو مخالفت کرده، وحی تو را انکار و نعمت هایت را که بخشیده بودی، انکار و تکذیب کردند. و پیامبرت را نافرمانی کردند و دین تو را (از حق به باطل) وارونه ساختند و کتاب تو را تحریف نمودند. احکام تو را وانهادند و آنچه واجب نمودی باطل کردند. و به آیات تو کفر ورزیده و با اولیای دشمنی کردند، دشمنان را

دوست [سرپرست] گرفتند و شهرهای (دین) تو را ویران و بندگان را تباه کردند.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا، [وَانْصَارَهُمَا]، وَاتَّبَاعَهُمَا، وَأَوْلِيَاءَهُمَا، وَآشِدِّياعَهُمَا، وَمُحِبِّيهِمَا . فَقَدْ أَخْرَبَا بَيْتَ النَّبُوَّةِ، وَرَدَمَا بَابَهُ، وَنَقَضَا سَقْفَهُ، وَ
 أَحَقَقَا سَمَاءَهُ بِأَرْضِهِ، وَعَالِيَهُ بِسَافِلِهِ، وَظَاهِرَهُ بِبَاطِنِهِ، وَاسْتَأْصَدَا أَهْلَهُ، وَأَبَادَا أَنْصَارَهُ، وَقَتَلَا أَوْفَالَهُ، وَأَخْلَيَا مَنَبِرَهُ مِنْ وَصِيَّتِهِ، وَوَارِثِ
 عِلْمِهِ [وَارِثِهِ]، وَجَحَدَا إِمَامَتَهُ [نُبُوَّتَهُ]، وَأَشْرَكَا بِرَبِّهِمَا، فَعَظَّمْ

ذَنْبَهُمَا، وَخَلَّدَهُمَا فِي سَقَرٍ، *وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ لَا تُبْقَى وَلَا تَذَرُ* . (1)

خدایا! لعنت کن آن دو (ابوبکر و عمر) و [یاران] و پیروان، و سرپرست گیرندگان و رهروان و دوست داران آن دو را. به تحقیق خانه ی نبوت را ویران کرده و درب آن را بستند و بامش را ویران و آسمان و زمین آن و زیر و زبر و آشکار و نهان آن خانه را به هم پیوند داده و اهل آن را ریشه کن و یارانش را نابود کردند و کودکانش را کشتند و منبرش را از جانشین و وارث علمش [وارثش] خالی کرده و امامت [نبوت] او را انکار کردند و به پروردگارشان شرک ورزیدند. پس گناهشان را بزرگ بشمار و در «سَقَر» جاودانشان فرما. (که فرمودی): و توجه می دانی «سَقَر» چیست (آتشی که) نه چیزی باقی و نه کسی را رها کند.

اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ بَعْدَ كُلِّ مُنْكَرٍ اتَّوَّهُ، وَحَقِّ اخْفَوَّهُ، وَمِنْبَرٍ عَلَوَّهُ، وَمُؤْمِنٍ أَرْجَوَّهُ [أَذَوَّهُ]، وَمُنَافِقٍ وَلَّوَّهُ، وَوَلِيِّ أَدَوَّهُ، وَطَرِيدٍ آوَوَّهُ، وَصَادِقٍ طَرَدُوهُ، وَكَافِرٍ نَصَرَ رُوهُ، وَإِمَامٍ قَهَرُوهُ، وَفَرِضٍ غَيَّرُوهُ، وَآثَرَ أَنْكَرُوهُ، وَشَرَّ أَتْرُوهُ [أَضْمَرُوهُ]، وَدَمٍ أَرَأَفُوهُ، وَأَمْرٍ (خَبِرٍ) [خَيْرٍ] بَدَّلُوهُ، وَكُفْرٍ نَصَبُوهُ [أَبْدَعُوهُ]، وَحُكْمٍ قَلَبُوهُ [قَلَّبُوهُ]، [وَكَذِبٍ دَلَّسُوهُ]، (وَظُلْمٍ نَسَرُوهُ).

خدایا! ایشان را لعنت کن به تعداد تمام کارهای ناپسندی که آوردند و هر حقی که نهان داشتند و هر منبری که (به ناحق) بالا رفتند و هر مؤمن که وانهادند [آزردند] و هر منافقی که او را ولایت دادند و هر ولیّی ای که آزردند و هر رانده شده ای که بازگردانده و هر راستگویی که رانندند و هر کافری که یاری کرده و هر امامی که ناکام و خوار کردند و هر واجبی که تغییر دادند و هر اثری که انکار نمودند (درباره ی آن خود را به بی اطلاعی زدند) و هر شرّی که اختیار [پنهان] کردند و هر خونی که (به ناحق) ریختند و هر [خبر - خیری] که تغییر و هر کفری که قرار دادند [ایجاد کردند] و هر حکمی که وارونه کردند [و هر دروغی که حقیقتش را نهان کرده] (و هر ستمی که گستردند)،

وَإِذَا غَصَبَ بُوهُ، وَفِيءِ أَقْتَطَعُوهُ، وَسَحْتِ أَكْلُوهُ، وَخُمْسِ اسْتَحْلُوهُ، وَبَاطِلِ اسْسُوهُ، وَجَوْرِ بَسَطُوهُ، وَنِفَاقِ اسْرُوهُ، وَغَدْرِ اصْمَرُوهُ، وَ
 ظُلْمِ [ظِلِّ] نَشْرُوهُ، وَوَعْدِ أَخْلَفُوهُ، وَآمَانِ خَانُوهُ، (وَإِمَامِ حَارَبُوهُ)، وَعَهْدِ نَقَضُوهُ، وَحَلَالِ حَرَمُوهُ، وَحَرَامِ أَحْلُوهُ [حَلَلُوهُ]، [وَإِنْفَاقِ
 اسْرُوهُ، وَغَدْرِ اصْمَرُوهُ]، وَبَطْنِ فَنَقُوهُ، وَجَنِينِ اسْتَقَطُوهُ، وَضِلْعِ دَقُوهُ [كَسَرُوهُ]، وَصَكِّ مَرَقُوهُ، وَشَمْلِ بَدَدُوهُ، وَعَزِيْزِ أَذَلُّوهُ، وَذَلِيْلِ
 أَعَزُّوهُ، وَحَقِّ مَنَعُوهُ، (وَإِمَامِ خَالَفُوهُ).

و ارثی که به ناحق تصرف کردند و سهمی که از صاحبش منع و هر مال حرامی که خوردند و سهم خمسی که (برای خود) حلال شمردند و هر باطلی که بنا کرده و هر ستم که گسترده کردند و هر نفاقی که نهان کرده و هر حيله که پنهان کردند . و هر ظلم [تاریکی] که گسترده کرده و هر وعده که وفا نکرده و هر امانت که بدان خیانت کردند هر امامی که با او جنگیدند و هر پیمان که شکستند و هر حلالی که حرام و هر حرامی که حلال کردند [و هر نفاقی که پنهان و هر نیرنگ که نهان کردند] و شکمی که پاره کردند و جنینی که او را سقط کردند و پهلویی که شکستند و سندی که پاره کردند و جمعی که پراکنده کردند و عزیزی که خوار نمودند و ذلیلی که عزیزش کردند . و حقی که آن را (از صاحبش) بازداشته و امامی که با او مخالفت کردند .

اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ بَعْدَ كُلِّ [بِكُلِّ] آيَةٍ حَرَّفُوهَا، وَفَرِيضَةٍ تَرَكُّوهَا، وَسُنَّةٍ غَيَّرُوهَا، وَأَحْكَامٍ عَطَّلُوهَا، وَرُسُومٍ قَطَعُوهَا [مَنْعُوهَا]، وَإِيمَانٍ جَحَدُوهَا، وَوَصِيَّةٍ ضَدَّ يَعْوْهَهَا، وَبَيْعَةٍ نَكَثُوهَا، [وَأَرْحَامٍ قَطَعُوهَا]، وَشَهَادَةٍ كَتَمُوهَا، وَدَعْوَى أَبْطَلُوهَا، وَبَيْنَةٍ أَنْكَرُوهَا وَحِيلَةٍ أَحَدَثُوهَا، وَخِيَانَةٍ أَوْرَدُوهَا، وَآمَانَةٍ خَانُوهَا، وَعَقَبَةٍ ارْتَقَوْهَا، وَدِيَابٍ دَحْرَجُوهَا، وَأَزْيَافٍ لَزِمُوهَا.

خدایا! آن دورا به تعداد تمام آیاتی که تحریف کردند لعنت کن و به تعداد تمام واجب هایی که ترک کردند و سنت هایی که تغییر داده و احکامی که کنار نهادند و سهم هایی که از صاحبش بازداشتند و پیمان هایی که تکذیب و انکار کردند و وصیتی که آن را تباه ساختند (نادیده گرفتند و بدان عمل نکردند). و بیعتی که شکستند [و ارحامی که قطع کردند] و شهادت هایی که پنهان داشتند و ادعاهای حقی که باطل کرده و دلایل آشکاری که انکار کردند و هر تصرفی که (حق انجام آن را نداشتند اما به ناحق) انجام دادند . و خیانت هایی که مرتکب شده و امانت هایی که به آن خیانت کردند . و گردنه هایی که (برای کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله) از آن ها بالا رفتند . و پیمانہ هایی که وارونه کرده و نیرنگ هایی که بدان ملتزم بودند .

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسِرٍّ [مَكْنُونٍ] السِّرِّ، وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ لَعْنَا كَثِيرًا أَبَدًا، دَائِمًا دَائِبًا سَدَّ زَمَدًا، لَا انْقِطَاعَ لِأَبَدِهِ (لَعَادِهِ)، وَلَا نَفَادَ لِعَدَدِهِ (لِأَمَدِهِ)، لَعْنَا لَا يَعُودُ (يَعْدُو) أَوَّلُهُ، وَلَا يَنْقَطِعُ (لَا يَرُوحُ) آخِرُهُ، لَهُمْ، وَلَا نَصَارِهِمْ، وَأَعْوَانِهِمْ، وَمُحِبِّيهِمْ، وَمَوَالِيهِمْ، وَالْمُسَدِّمِينَ لَهُمْ، وَالْمَائِلِينَ إِلَيْهِمْ، وَالنَّاهِضِينَ بِأَجْنِحَتِهِمْ (بِأَحْتِجَاجِهِمْ)، وَالْمُعْتَقِدِينَ بِمَوَدَّتِهِمْ، [وَالْمُعْتَدِّينَ بِهَادِيهِمْ]، وَالْمُصَدِّقِينَ بِإِجَابَتِهِمْ، (وَالْمُعْتَدِّينَ بِكَلَامِهِمْ بِمَوَدَّتِهِمْ) وَالْمُصَدِّقِينَ بِأَحْكَامِهِمْ، [وَالْمُقْتَدِّينَ بِكَلَامِهِمْ] .

خداوندا! آنان را لعنت کن در پنهانی راز و در آشکاری عیان . لعنتی بسیار زیاد ، همیشگی ، پیوسته ، پیایی و جاوید . که نه زمان آن تمام شود و نه تعدادش . لعنتی که ابتدای آن بازنگردد (بامداد باشد) و پایان آن ، به انجام نرسد . که برای آنان باشد و برای یاران و یاوران ، دوستداران و پیروان آنان ، و برای کسانی که در برابر ایشان ، تسلیم هستند و آنان که به سوی ایشان ، مایل هستند . و برای کسانی که به یاری (و دلالت) آنان به پا خواسته و کسانی که دوستی آنان را باور دارند [و کسانی که کاملاً رهروی آنان هستند] و کسانی که اجابت کردن آنان را تصدیق می کنند و کسانی که (کلام - دوستی) آنان را باور دارند و کسانی که احکام (باطل) آنان را تصدیق می کنند [و آنان که از کلام ایشان ، پیروی می کنند] .

سپس چهار مرتبه می گوید :

اللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَاباً (أليماً) يَسْتَعِثُّ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ (فِي النَّارِ) .

بارالها! آنان را به عذابی (دردناک) معذب فرما ، که اهل آتش (در آتش) از آن امان می خواهند .

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ملتمس دعا

عبدالزّهراء (عليها السلام) حيدر

والسّلام على من اتّبع الهدى

کتاب نامه

قرآن كريم ، الله تبارك و تعالى .

أعلام النساء ، عمر رضا كحالة .

أعيان الشيعة ، سيد محسن امين عاملي .

أنساب الأشراف ، بلاذري .

إختيار معرفة الرجال ، محمد بن عمر كشي .

الدّر النّظيم ، ابن حاتم عاملي .

الصّراط المستقيم ، علي بن يونس نباطي بياضي .

الشافى فى الإمامة ، سيّد مرتضى علم الهدى .

النّصّ على أميرالمؤمنين (عليه السلام) ، سيد على عاشور .

السّقيفة وفدك ، جوهرى .

الإمامة والسياسة ، ابن قتيبة دينورى .

الرسائل السياسيّة، جاحظ .

البلد الأمين، شيخ ابراهيم بن عليّ عاملي كفعمي .

التعليقة على المكاسب، سيّد مجاهد عبدالحسين لاري .

الذريعة، شيخ آقابزرگ تهراني .

الغدِير، علامه شيخ عبد الحسين اميني .

الغيبية، شيخ ابوجعفر محمّد طوسي .

الكافي، ابوجعفر محمّد بن يعقوب كليني .

المحاسن، احمد بن محمّد بن خالد برقي .

المحتضر، شيخ حسن بن سليمان حلّي .

المصباح، شيخ ابراهيم بن عليّ عاملي كفعمي .

الوافي، ملا محمّد محسن فيض كاشاني .

الهجوم على بيت فاطمة عليها السلام، عبدالزّهراء مهدي .

بحار الأنوار، ملا محمّدباقر مجلسي دوم .

بشارة المصطفى ، عماد الدين طبرى .

بصائر الدرجات ، محمد بن حسن صفار .

تأويل الآيات الظاهرة ، سيد شرف الدين حسيني استرآبادى .

ترجمه فرحة الغرى ، علامه ملا محمد باقر مجلسى دوم .

تفسير ، على بن ابراهيم قمى .

تفسير ، محمد بن مسعود عياشى .

تقريب المعارف ، شيخ ابوصلاح حلبى .

تلخيص الشافى ، شيخ محمد بن حسن طوسى .

جامع أحاديث الشيعة ، به إشراف آية الله بروجردى رحمه الله عليه .

دقائق التأويل و حقائق التنزيل ، حسنى ابوالمكارم محمود بن محمد .

دلائل الإمامة ، محمد بن جرير طبرى شيعى .

شرح الولاء فى شرح الدعاء ، شيخ ابوالسّعادات اسعد بن عبدقاهر بن اسعد اصفهانى .

روضه المتّقين ، ملا محمد تقى مجلسى اوّل .

شاخه طوبى ، ميرزا حسين نورى طبرسى .

شرح إحقاق الحق ، آية الله مرعى نجفى رحمه الله عليه .

شرح نهج البلاغه ، ابن أبى الحديد .

شهاب ثاقب ، ملا مهدي نراقى .

علم اليقين فى اصول الدين ، ملا محمد محسن فيض كاشانى .

عوامل العلوم ، شيخ عبد الله بخرانى اصفهانى .

فضائل اهل بيت رسول صلى الله عليه وآله و مناقب اولاد بتول (عليه السلام) ، عماد الدين حسن بن على طبرى .

قرّة العيون ، ملا محمد محسن فيض كاشانى .

كتاب الأربعين ، ملا محمد طاهر قمى .

كتاب الصلاة ، شيخ انصاری .

لوامع صاحبقرانی ، ملا محمد تقی مجلسی اول .

مأساة الزهراء عليها السلام ، سيد جعفر مرتضى عاملی .

مجمع التورین ، شيخ أبو الحسن مرندی .

مستدرک الوسائل ، ميرزا حسين نوری طبرسی .

مشكاة الأنوار ، أبو الفضل علی بن حسن طبرسی .

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ، محمد بن شهر آشوب مازندرانی .

مناقب أهل البيت عليهم السلام ، مولى حيدر شيروانی .

موسوعة شهادة المعصومين عليهم السلام ، مؤسسه امام محمد باقر (عليه السلام) .

منهاج البراعة ، ميرزا حبيب الله خويى .

مهج الدعوات ، سيد على بن طاووس .

نوادير الأخبار ، ملا محمد محسن فيض كاشاني .

نورالبراهين ، سيد جليل نعمة الله جزائري .

وسائل الشيعة ، محمد بن حسن حرّ عاملي .

فهرست مطالب

- پیشگفتار : تبرّی و لعن از دیدگاه قرآن و عترت 3
- بخش اول : وجوب براءت 13
- بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام از توحید است 13
- ابوبکر و عمر کافرند و 13
- ولیّ معصوم امر به بیزاری جستن از آن دو می کند .. 15
- کوتاهی در لعن دشمنان اهل بیت علیهم السلام ، موجب لعنت خداست 16
- جبت و طاغوت ، چه کسانی هستند؟ 16
- ابوبکر و عمر و عثمان یعنی : مظاهر و اساس و ... کفر ، فسوق ، عصیان ، فحشاء ، منکر ، بغی و آنچه حرام است 18
- آزاردهندگان فاطمه ، آزاردهندگان خدا و رسول اند .. 21
- لعنت خدا بر آزار دهندگان خدا و رسول 23
- اعتراف عمر به جنایات 24
- تقرین حضرت فاطمه علیها السلام 28

- بخش دوم : وجوه اعتبار دعای صنمی قریش . 31
- منابع دعای شریف صنمی قریش 32
- مولف کتاب «شرح الولاء فی شرح الدعاء» 32
- اعتبار و فضیلت دعای شریف صنمی قریش ... 33
- صحیح بودن روایات (سندهای) دعای شریف صنمی قریش 36
- شرح های دعای شریف صنمی قریش 37
- برخی دیگر از منابع در دسترس دعای شریف صنمی قریش . 40
- دعای امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز 55
- دعای امام رضا علیه السلام در سجده شکر 64
- بخش سوم : منتلفیقیدعایصنمیکریشازمولیالموحدین امیرالمؤمنین (علیه السلام) . . . 72
- کتاب نامه 85

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

